



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

جناح‌گرایی و تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران^۱

اکرم جزینی‌زاده،^۲ صدیقه شیخ‌زاده جوشانی،^۳ یحیی کمالی^۴

چکیده

فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همانند هر دولت دیگری تحت تأثیر عوامل مختلف است. جناح‌گرایی به‌عنوان ویژگی نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب از جمله عوامل برآمده از محیط حکومتی است که بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تأثیر گذاشته است. پژوهشگران حوزه مسائل ایران این عامل را عمدتاً رقابتی دائمی و فزاینده میان گروه‌بندی‌های سیاسی سیال، گذرا و بی‌قاعدۀ توصیف کرده‌اند که در صحنه سیاست ایران پس‌انقلاب به نام جناح شناخته می‌شوند. مقاله حاضر با هدف برجسته کردن عامل جناح‌گرایی در ایران، کوشیده است با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مرور بخشی از ادبیات حوزه سیاست خارجی ایران، دلالت‌های تأثیرگذاری این عامل را بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان دهد. ارزیابی مقاله این است که بخش عمده این ادبیات تأکید می‌کند که جناح‌گرایی تأثیراتی منفی دارد.

کلیدواژه‌ها: جناح، جناح‌گرایی، سیاست خارجی، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)؛ رایانامه: Akramjazini71@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: ssheikhzadeh@uk.ac.ir

۴. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ رایانامه: yahyakamali@uk.ac.ir



۱. مقدمه

در بحث تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، «فرایند تصمیم‌گیری»،^۵ «موقعیت»،^۶ «دست‌اندرکاران»،^۷ «سازمان»^۸ و «نتیجه»^۹ پنج متغیر عمده فرض شده‌اند. در ساده‌ترین حالت، فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی^{۱۰} فرایندی است که طی آن تصمیمات یا برون‌دادهای^{۱۱} سیاست خارجی شکل می‌گیرند. فرایند تصمیم‌گیری خود به‌عنوان یک متغیر، تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد و از این رو، می‌تواند فوق‌العاده پیچیده باشد؛ به گونه‌ای که پی‌ریزی مسیر دقیق آن، به‌منظور پیش‌بینی نهایی یا نشان دادن مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده آن بسیار دشوار شود.

فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز همانند هر دولت دیگری از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. «جناح‌گرایی»^{۱۲} به‌عنوان ویژگی نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب از جمله عوامل برآمده از محیط حکومتی است که فرایند تصمیم‌گیری را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر قرار داده است. پژوهشگران حوزه مسائل ایران عمدتاً این عامل را کشمکش و رقابتی دائمی و فزاینده میان گروه‌بندی‌های سیاسی سیال، گذرا و بی‌قاعده توصیف کرده‌اند که در صحنه سیاست ایران پس‌انقلاب به نام «جناح»^{۱۳} شناخته می‌شوند. میزان تأثیرگذاری عامل جناح‌گرایی با شاخص «کشمکش‌ها و رقابت‌های دائمی جناح‌های سیاسی» بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای جدی است که اغلب پژوهشگران داخلی و خارجی سیاست خارجی ایران آن را اصلی‌ترین متغیر و تعیین‌کننده‌ترین عامل^{۱۴} داخلی در سیاست خارجی می‌دانند (به‌طور نمونه بنگرید به: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰؛ رضانی، ۱۳۸۰؛ متقی، ۱۳۹۰؛ Moslem, 2002; Ehteshami, 2002; Buchta, 2000). از نگاه این پژوهشگران، جناح‌های مختلف در صحنه سیاست ایران، همان‌گونه که نسبت به سیاست داخلی، فرهنگ، اقتصاد و روند توسعه کشور رویکردهای متفاوتی دارند، رهیافت‌ها و ایستارهای آنان نسبت به سیاست خارجی نیز متفاوت و گاه متعارض است.

5. Decision Making Process
6. Decision Situation Occasion
7. Decision participants
8. Decision Organization
9. Decision outcome
10. Foreign Policy Decision Making Process (FPDMP)
11. Output
12. Factionalism
13. Faction
14. Determinant



مقاله حاضر با هدف برجسته‌سازی^{۱۵} متغیر «جناح‌گرایی» به‌عنوان ویژگی عمده و ثابت نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب کوشیده است ضمن کاوش در بخشی از ادبیات حوزه سیاست خارجی ایران به این سؤال اصلی پاسخ دهد که از نگاه این ادبیات، دلالت‌های تأثیر‌گذاری این عامل بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ این مقاله دو بخش دارد. در بخش نخست، تلاش شده است ضمن تعریف مفاهیم جناح و جناح‌گرایی در غرب و ایران، به معرفی آن دسته از چارچوب‌های نظری پرداخته شود که در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تأثیر متغیر جناح‌گرایی را بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به کمک آن‌ها تبیین می‌کنند. در بخش دوم، با کاوش در پژوهش‌های حوزه مسائل ایران، به برخی دلالت‌های تأثیر‌گذاری این متغیر بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست اشاره شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تأثیر جناح‌گرایی به‌عنوان ویژگی پایدار نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب صرفاً به حوزه سیاست خارجی محدود نمی‌شود. ما در بررسی پیشینه پژوهش آثاری یافتیم که در آن‌ها پژوهشگران بر تأثیر‌گذاری این عامل بر حوزه سیاست داخلی و اقتصاد تأکید کرده‌اند. مسلم در اثری ذیل عنوان «سیاست جناحی در ایران پس‌[امام] خمینی»، با پرداختن به حیات جناح‌های سیاسی و تعاملات بین آن‌ها، به‌ویژه در دولت‌های هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی تصویری از رقابت جناحی در ایران ارائه می‌دهد و آن را «پایدارترین ویژگی نظام سیاسی پس‌[امام] خمینی» برمی‌شمارد. به‌باور مسلم، شناخت فرایند سیاسی داخلی ایران وابسته به فهم پویایی جناح‌گرایی در این کشور است (Moslem, 2002).

همچنین او پاتریشیا راکل در کتاب قدرت، اسلام و نخبه سیاسی در ایران ضمن شناسایی جناح‌های سیاسی، تأثیر رقابت‌های جناحی را بر خروجی‌های نظام سیاسی هم در حوزه سیاست‌های داخلی و هم خارجی تأثیرگذار و تعیین‌کننده می‌داند (Rakel, 2009).

مازیار بهروز دیگر پژوهشگری است که متغیر «جناح‌گرایی» را مورد توجه قرار داده است. او در مقاله‌ای با عنوان «جناح‌گرایی در ایران تحت فرمان [امام] خمینی»، جناح‌گرایی را جزء سازنده‌ای از وجود جمهوری اسلامی ایران توصیف می‌کند و معتقد است که این جزء از سال ۱۹۸۷ مانعی عمده بر سر راه انسجام حکومت بوده است (Behrooz, 1991).

محمدی قلعه‌تکی در اثری ذیل عنوان «ماهیت وابسته به مسیر جناح‌گرایی در ایران پس‌[امام] خمینی» با بهره‌گیری از چارچوب نظری نهاد‌گرایی تاریخی و «ریافت وابستگی



مسیر» پل پیرسون، علت تداوم جناح‌گرایی را تبیین می‌کند و معتقد است جناح‌گرایی به عدم شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران منجر شده است (Mohammadighalehtaki, 2014).

همچنین برخی پژوهشگران تأثیر جناح‌گرایی را بر حوزه اقتصاد ارزیابی کرده‌اند. پدram سعید در اثر خود با عنوان «پاسخگویی سازمان‌های فراحکومتی (بنیادها): مطالعه موردی بنیادها در ایران»، ظهور جناح‌گرایی سیاسی در ایران پس‌انقلاب را مانع شکل‌گیری یک رویکرد سیاسی-اقتصادی مسلط و یک‌دست در درون کشور می‌داند (Saeid, 2004).

فرزانگان و اشنایدر در اثر مشترکی با عنوان «جناح‌گرایی، نفت و رشد اقتصادی در ایران: نفرین کجاست؟» چنین استدلال می‌کنند که افزایش جناح‌گرایی سیاسی در یک اقتصاد نفتی، مصیبتی برای رشد اقتصادی است. به باور آن‌ها، جناح‌گرایی به عنوان «ویژگی عمومی سیاست‌های متعارض^{۱۶} حکومت ایران» است (Farzanegan and Schneider, 2009:2). به باور این پژوهشگران، این، رانت نفتی نیست که مخرب اقتصاد است، بلکه آنچه زیان‌آور است، «رقابت مخرب» یا همان «رقابت جناح‌ها» درون ساختار قدرت سیاسی برای رسیدن به این رانت است.

همچنین بیوروانت و سلویک در مقاله‌ای با عنوان «رقابت مخرب: جناح‌گرایی و رانت‌جویی در ایران» با استفاده از چارچوب مفهومی رانت‌جویی سعی کرده‌اند نشان دهند چگونه «جناح‌زدگی»^{۱۷} به عنوان ویژگی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران بر کاهش عملکرد اقتصاد و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی در ایران تأثیر گذاشته است (Bjorvant and Selvic, 2003).

۳. مبانی نظری

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، فرایندی است که طی آن تصمیمات یا برون‌دادهای سیاست خارجی شکل می‌گیرند. مطالعه فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، در واقع روش و چگونگی تأثیرگذاری عوامل گوناگون مؤثر بر فرایند تصمیم‌گیری است. «اگر ما بفهمیم تصمیمات چگونه ساخته می‌شوند، تصمیمات را بهتر می‌فهمیم و شاید مهم‌تر از آن، می‌توانیم برون‌دادها را در صحنه بین‌المللی پیش‌بینی کنیم» (Mintz and De Rouen, 2010:4). از آنجاکه تصمیم‌گیری حاصل یک فرایند معین نیست، بلکه «ترکیبی از سه فرایند فردی - ذهنی، اجتماعی و شبه‌مکانیکی سبب اتخاذ تصمیم می‌گردد، بدون لحاظ نمودن این سه فرایند، نمی‌توان تصمیمات موجود را درک و آینده را پیش‌بینی کرد» (خوشوقت، ۱۳۸۵:

16. Contradictory

17. Faction-Ridden



۹۵). از این رو، فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد. جیمز روزنو در مقاله تأثیر گذارش با عنوان «پیش‌انظریه و نظریه‌های سیاست خارجی» (۱۹۶۶) از پنج متغیر نام می‌برد که بر برون‌دادهای سیاست خارجی تأثیر گذار هستند: متغیرهای فردی،^{۱۸} نقش،^{۱۹} حکومتی،^{۲۰} اجتماعی^{۲۱} و سیستمی^{۲۲}. متغیر حکومتی در الگوی مفهومی - تحلیلی روزنو به شرایط مرتبط با ساختار حکومت اشاره دارد که می‌تواند گزینه‌هایی را که رهبران حکومتی انتخاب می‌کنند محدود یا ممکن سازد. در پژوهش حاضر جناح‌گرایی به‌عنوان شاخص متغیر حکومتی فرض شده است.

برخی رویکردهای نظری در حوزه روابط بین‌الملل (IR) و تحلیل سیاست خارجی (FPA) به تأثیر گذاری متغیر حکومتی با شاخص ماهیت و ساختار نظام سیاسی توجه کرده‌اند. در این رویکردها برخلاف جریان مسلط^{۲۳} دولت «جعبه‌ای سیاه»^{۲۴} فرض نمی‌شود یا بازیگری یکپارچه و عقلانی که منافع ملی مشخص، یک‌دست و از پیش تعیین شده‌ای داشته باشد. از جمله این رویکردها در حوزه روابط بین‌الملل می‌توان به واقع‌گرایی نو کلاسیک اشاره کرد. این عنوانی است که گیدئون رُز به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل اطلاق کرده است که در تعیین سیاست خارجی و فراتر از آن، در توضیح روابط بین‌الملل، از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند (Rose, 1998، به نقل از: مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

این رویکرد که تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقح‌گرایی است، در واکنش به ضدتقلیل‌گرایی بیش‌از اندازه نواقح‌گرایی ارائه شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۷). برخلاف نواقح‌گراها، واقع‌گرایان نو کلاسیک دولت‌ها را به‌مثابه جعبه سیاهی فرض نمی‌کنند که عوامل سطح سیستمی تعیین‌کننده رفتار سیاست خارجی آن‌ها باشد. آن‌ها معتقدند که «گستره و بلندپروازی‌های سیاست خارجی یک دولت در وهله نخست با قدرت مادی آن هدایت می‌شود اما تأثیر توانمندی‌های این قدرت مادی بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است زیرا فشارهای سیستمی از طریق متغیرهای میانجی سطح واحد ترجمه می‌شوند» (Rose, 1998، به نقل از: Juneau, 2009: 5).

از نگاه واقع‌گرایان نو کلاسیک، برداشت‌های ذهنی و همچنین ساختار داخلی دولت‌ها متغیرهایی میانجی هستند که برون‌دادهای سیاست خارجی دولت متأثر از آن‌ها است.

18. Individual
19. Role
20. Governmental
21. Societal
22. Systemic
23. Mainstream
24. Black Box



از این رو، این رویکرد با توجه هم‌زمان به علل سطح سیستمی و سطح واحد در پی آن است که توضیح دهد خصوصیات داخلی کشورها و عوامل سطح سیستمی چگونه و تحت چه شرایطی سیاست خارجی دولت‌ها را شکل می‌دهند.

رویکرد دیگری که در حوزه روابط بین‌الملل بر نقش متغیر حکومتی با شاخص ماهیت سیستم سیاسی تأکید دارد، نظریه «صلح دموکراتیک»^{۲۵} است. از امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی قرن هجدهم به‌عنوان نظریه‌پرداز اصلی این نظریه نام برده می‌شود. کانت در کتاب «صلح ابدی» (۱۷۹۵) تأثیر دموکراسی بر صلح و امنیت بین‌المللی را توضیح می‌دهد و اینکه چرا دولت‌های لیبرال با یکدیگر نمی‌جنگند. از نگاه کانت، رفتار صلح‌آمیز دولت‌ها در نوع ساختار سیاسی و ماهیت رژیم آن‌ها ریشه دارد. ولی او این ساختار را مبتنی بر قوانین اساسی جمهوری خواهانه می‌داند. بر این اساس، از نگاه نظریه صلح دموکراتیک رفتار سیاست خارجی دولت‌ها می‌تواند از نوع سیستم سیاسی آن‌ها متأثر باشد؛ به گونه‌ای که هر چه سیستم سیاسی یک کشور بسته و اقتدارگرا باشد، احتمال گرایش آن به جنگ افزایش می‌یابد و برعکس، هر چه سیستم دموکراتیک‌تر باشد، احتمال توسل به رفتار منازعه‌جویانه کاهش خواهد یافت. سومین رویکرد که بر تأثیرگذاری متغیرهای داخلی بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها تأکید دارد، الگوی سیاست داخلی^{۲۶} است که بر اساس آن سیاست خارجی یک بازی دوسطحی^{۲۷} است تا حکومت منافع ملی‌اش را با ارزیابی محدودیت‌های سیاست داخلی متعادل کند. طبق نظر هاگان، ارتباط بین سیاست داخلی و سیاست خارجی در اصل در سیاست‌های داخلی آمرانه و حفظ قدرت سیاسی ریشه دارد، زیرا هدف رهبران سیاسی به‌طور واضح حفظ قدرت سیاسی و تسهیل حمایت‌های سیاسی لازم برای حفظ موقعیتشان است (Hagan, 1993). به نقل از (Doeser, 2015: 3).

اسکات ساگان که در پاسخ به چرایی تمایل دولت‌ها به ساختن تسلیحات هسته‌ای از این رویکرد استفاده کرده است، معتقد است که منطق پایه‌ای این رویکرد به‌شدت از ادبیات «الگوی سیاست وابسته به دیوانسالاری»^{۲۸} و «ساخت اجتماعی»^{۲۹} فناوری مربوط به تولید نظامی در ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ سرد تأثیر گرفته است. در این ادبیات، کنشگران وابسته به دیوانسالاری دریافت‌کننده‌های منفعل تصمیمات سیاسی فرض نمی‌شوند، بلکه آن‌ها خالق شرایطی هستند که طرفدار دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای از طریق تشویق ادراکات تند تهدیدات خارجی، تشویق سیاستمداران حامی و لابی فعالانه برای هزینه دفاعی

25. Democratic Peace

26. Domestic Politics Model

27. Two Level Games

28. Bureaucratic Politics Model

29. Social Construction



فزاینده است (Sagan, 1996: 64). همچنین، فیرون با قرار دادن الگوی سیاست‌های داخلی ذیل رویکردهای روابط بین‌الملل معتقد است بر خلاف رویکرد غالب در نظریه‌های سیستمی که دولت را به‌عنوان بازیگر عقلانی یکپارچه فرض می‌کنند، الگوی سیاست داخلی دولت را با ویژگی «عدم یکپارچگی»^{۳۰} شناسایی می‌کند. به باور فیرون، مسئله این رویکرد این است که توضیح دهد چگونه تعاملات سیاسی در داخل به انتخاب‌های بد یا ابلهانه در سیاست خارجی منجر می‌شوند (Fearon, 1998: 292).

رویکرد دیگری که بر نقش عوامل داخلی بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت‌ها تأکید دارد، در چهارچوب نظریه تصمیم‌گیری قابل‌بحث است. پس از جابه‌جایی تصمیم‌گیری از حوزه مدیریت، اقتصاد و روانشناسی به روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۵۰ و سپس ورود آن به حوزه تحلیل سیاست خارجی در دهه ۱۹۶۰، این رویکرد نظری نگاه به دولت به‌عنوان «جعبه سیاه» را به چالش کشید. هدف این رویکرد که در آثار دانشورانی چون ساپین،^{۳۱} بروک^{۳۲} و سایمون و به‌خصوص اسنایدر پی‌ریزی شد و سپس جوزف فرانکل و گراهام تی آلیسون آن را گسترش دادند، «رد کردن ادعای رئالیست‌ها مبنی بر جعبه سیاه فرض کردن دولت، و سپس شکستن این جعبه» بود (Holsti, 1989:21).

از جمله متغیرهای مهم در رویکرد نظریه تصمیم‌گیری، «فرایند تصمیم‌گیری» است. از نگاه اسنایدر و همکاران «تصمیم‌گیری» فرایندی است که در نهایت به انتخاب یک طرح از میان تعداد محدودی طرح‌های جایگزین، غیرقابل‌پیش‌بینی و از نظر اجتماعی تعریف شده می‌انجامد؛ طرحی که هدف از آن ایجاد وضعیت خاص پیش‌بینی شده توسط تصمیم‌گیرندگان در آینده است (اسنایدر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۱). این فرایند آن‌گونه که نظریه پردازان رویکرد تصمیم‌گیری بر آن تأکید دارند، تحت تأثیر عوامل مختلف فردی-ذهنی، اجتماعی-سیاسی و ترکیبی از این دو قرار می‌گیرد. این نظریه پردازان به‌منظور تبیین چگونگی تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر فرایند تصمیم‌گیری، الگوهای مفهومی گوناگونی را تحت عنوان الگوهای تصمیم‌گیری تدوین کرده‌اند. الگوهای سه‌گانه آلیسون از جمله این الگوهاست. از میان سه الگوی آلیسون الگوی «سیاست وابسته به دیوانسالاری» یا «سیاست حکومتی» بر متغیرهای برآمده از ساختار حکومت تأکید دارد. از نگاه این الگو، سیاست خارجی دولت‌ها حاصل کشمکش‌ها، ائتلاف‌ها و چانه‌زنی‌های پیچیده در میان افراد و عوامل حکومتی داخلی است. این الگو بر سیاست‌های داخلی یک حکومت متمرکز است و مطابق آن تصمیمات در امور خارجی به‌عنوان انتخاب‌ها و خروجی‌ها استنباط نمی‌شوند، بلکه تصمیمات نتایج بازی‌های

30. Non Unitary

31. Sapin

32. Bruck



چانه‌زنی متنوع هم‌پوشان میان بازیگرانی هستند که به‌لحاظ سلسله‌مراتبی در دولت مقامی دارند (Allison, 1969: 690). مقاله حاضر مدعی است که رویکرد سیاست داخلی و الگوی سیاست وابسته به دیوانسالاری بیش از رویکردها و الگوهای دیگر قادرند تأثیرگذاری عامل جناح‌گرایی را بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین کنند. در جدول‌های ۱ و ۲ ادبیات نظری پژوهش دسته‌بندی و ارائه شده است.

جدول ۱. مفاهیم جناح و جناح‌گرایی در مطالعات حزبی در غرب

| دیدگاه به پدیده جناح‌گرایانه / رویکرد / دیدگاه نسبت به جناح‌گرایی | مفهوم‌بندی / اندازه‌گیری (سنجش) | نقش جناح‌ها | تعریف جناح‌ها | زمینه مطالعه | نویسنده |
|---|--|---|---|---|--|
| نامطلوب، فحواي ضدحزبی (هیوم)؛ پیچیده کردن حکومت اکثریت (برک)؛ خطر بالقوه برای جمهوری (مدیسون) | گونه‌شناسی براساس ویژگی‌های گروه (هیوم). اهمیت تعداد / اندازه احزاب (مدیسون) اما عملیاتی نشده است. | شکل دادن به سیاست حکومت اپوزیسیون | به‌مثابه حزب سیاسی | نظریه مشروطه، حکومت پارلمانی | متفکران سیاسی قرن هجدهم بولینگ بروک، هیوم، برک، مدیسون |
| تشویق به جانب‌داری غیرمنصفانه و سوءاستفاده از قدرت | سلطه حزب محلی | ارائه ابزارهای حفظ سلطه حکومت تک‌حزبی محلی | ماشین‌های سیاسی | آمریکای دهه ۱۹۴۵ جنوب دموکراتیک | وی، اُ کی |
| تحمل تنوع در احزاب ناهمگون امانه در احزاب «محدود» | ساختار حزبی: احزاب همگون در برابر احزاب ناهمگون | بازتاب‌دهنده تنوع در درون احزاب | واحدهای زیرحزبی؛ استفاده از واژگان جناح‌ها، گرایش‌ها و رقبا به‌جای یکدیگر | مطالعه احزاب سیاسی | دووزه |
| حاکمی از آن است که مدیریت درون‌حزبی برای کارگر نسبت به حزب محافظه‌کار سخت‌تر است. | ثبات، تداوم و سازمان‌برای متمایز کردن جناح‌ها از گرایش‌ها عملیاتی نمی‌شود. | کممک به‌تمایز میان ساختار حزب درونی (کارگر جناح‌ها) و حزب محافظه‌کار گرایش‌ها | واحدهای درون‌حزبی کم‌و بیش سازمان‌یافته. جناح‌ها در برابر گرایش‌ها | احزاب سیاسی اصلی بریتانیا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ | رز |



| | | | | | |
|--|---|--|---|--|--|
| <p>زاریسکی</p> | <p>فرآیندهای درون حزبی در نظام‌های حزبی متفاوت. طرح فرضیه‌ها.</p> | <p>هر گروه‌بندی‌ای که اعضای آن دارای هویت / هدف مشترک باشند و به منظور دستیابی به اهدافشان به صورت جمعی در درون حزب سازمان یافته‌اند.</p> | <p>بیان ارزش‌های مشترک، مفاهیم راهبردی متفاوت، منافع / خاستگاه / کارکردهای مشترک، همچنین می‌تواند بیانگر دسته‌بندی‌های شخصی یا محلی باشد.</p> | <p>مقوله‌بندی‌هایی براساس مصلحت جناحی ولی دسته‌بندی‌های متقابلاً انحصاری نیستند.</p> | <p>بی‌طرف. اما جناح‌ها به عنوان ویژگی‌های ساختاری مهمی در درون احزاب فرض می‌شوند؛ شایسته مطالعات دانشگاهی بیشتر است.</p> |
| <p>یاندا و همکاران</p> | <p>پیمایش بین کشوری احزاب سیاسی در ۵۳ کشور (۱۹۶۲-۱۹۵۰)</p> | <p>تعریف زاریسکی (بالا) و هانتینگتون (اجماع). انسجام حزبی برحسب همگرایی و جناح‌گرایی بررسی شده</p> | <p>بیان / بسیج ایدئولوژی‌های مجزا، اختلافات موضوعی، رهبران راهبردها / شگردها.</p> | <p>احزاب براساس شش متغیر کدگذاری شده‌اند؛ انسجام قانونی، جناح‌گرایی برپایه ایدئولوژی، موضوعات، رهبری، راهبرد / شگردها و پاک‌سازی</p> | <p>بی‌طرف. هدف عملیاتی کردن مفهوم انسجام است آن‌گونه که مدنظر هانتینگتون بوده است.</p> |
| <p>سارتوری و طرفداران ایده‌های وی (هاین، بلونی و بلر، بچر)</p> | <p>کالبدشکافی احزاب؛ نظام‌های حزبی؛ احزاب خاص</p> | <p>سارتوری طرفدار دوگانگی [حزب-جناح] هیوم است، اما جناح‌ها را برابر با واحدهای فرعی می‌داند. به منظور پرهیز از سوگیری ضدجناح، واژه فراکسیون‌ها را به کار برده است.</p> | <p>به صورت واضح مشخص نشده. میزانی از هم‌پوشانی بین دسته‌بندی‌های متفاوتی از جناح‌ها، انگیزه‌ها عوامل تعیین‌کننده مهمی هستند.</p> | <p>گونه‌شناسی: چهار بعد (سازمانی، انگیزشی، ایدئولوژیک و چپ-راست) تعاملی هستند (نه مجزا). فراکسیون‌نسیسم عملیاتی نمی‌شود.</p> | <p>فراکسیون‌نسیسم در صورت فراهم آوردن رقابت در سیستم‌های حزبی رقابتی می‌تواند مثبت باشد.</p> |

منبع: Boucek, 2009: 4-5



جدول ۲. مفاهیم جناح و جناح‌گرایی در ادبیات جناحی در ایران

| نویسنده | تعریف جناح | تعریف جناح‌گرایی | کارکرد جناح‌گرایی |
|---|---|--|---|
| بشیریه (۱۳۷۴) | گروه‌های عمده ذی‌نفوذ در ایران | - | - |
| علمداری (۱۳۷۷)، (به نقل از: ظریفی‌نیا ۱۳۷۸) | گروه‌های رقیب حاکم بر ایران | - | - |
| Behrooz (1991) | - | جزئی بنیادی از موجودیت جمهوری اسلامی ایران | مانعی عمده بر سر راه انسجام رژیم |
| Barzin (1995) | - | تداوم اختلاف‌نظرهای بنیادین درباره مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در میان نخبگان | - |
| Buchta (2002) | یک نخبه رهبری در درون ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران | - | - |
| Moslem (2002) | - | پایدارترین ویژگی نظام سیاسی پسا[امام] خمینی | - |
| Saeid (2010) | اتلاف‌هایی سیال، شکننده و گذرا از گروه‌ها و افراد با دیدگاه‌های مشابه؛ گروه‌بندی‌های سیاسی‌ای که در قالب سیستم «شبه‌حزبی» عمل می‌کنند. | - | - |
| Asayesh et al (2010) | - | - | مانع توسعه سیاسی در ایران |
| Mohammadi ghaletaki (2014) | - | سیستم ضدحزبی | مانع شکل‌گیری سیستم حزبی در ایران |

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. چارچوب مفهومی پژوهش

به منظور تبیین بهتر مسئله اصلی پژوهش، یعنی تأثیر «جناح‌گرایی» بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعریف این مفهوم و مفاهیم وابسته به آن در ایران و غرب ضروری به نظر می‌رسد.

۴.۱. جناح

برخی پژوهشگران مسائل ایران در توصیف ماهیت نظام سیاسی ایران پسانقلاب بر ویژگی جناح‌گرایی در آن تأکید کرده‌اند. فرض اساسی این پژوهشگران این است که ما در نظام



سیاسی ایران پسانقلاب به جای وجود پدیده‌های حزبی با مجموعه‌ای از گروه‌بندی‌های سیال، گذرا و شکننده به نام جناح‌ها مواجه هستیم. در حوزه موضوعی علوم سیاسی، مفهوم جناح در دو زمینه محیطی^{۳۳} متفاوت به کار برده شده است. در نظام‌های سیاسی مبتنی بر حزب، جناح به «گروه‌های درون‌حزبی» (Hoadley, 1986:13) اطلاق می‌شود و در تعریفی دیگر، به «یک گروه ساختارمند درون یک حزب سیاسی که دست کم در صدد است جایگاه‌های مقتدرانه سیاست‌گذاری را در آن حزب از آن خود کند» (Persico et al, 2011:8). در حالی که در یک نظام سیاسی غیرحزبی این مفهوم بر «گروه‌بندی‌هایی»^{۳۴} دلالت دارد که پیرامون یک موضوع یا شخصیت واحد، اما با تداوم زمانی محدود و میزان حداقلی از سازمان‌یافتگی شکل می‌گیرند. «این گروه‌بندی‌ها منعکس‌کننده بلندپروازی‌های فردی هستند. این گروه‌بندی‌های سیاسی را به‌ظاهر می‌توان احزاب نامید، اما آن‌ها از پایداری سازمانی و پشتیبانی اجتماعی که جوهر هر حزبی است بی‌بهره‌اند. این گروه‌بندی‌ها در واقع، جناح‌هایی بیش نیستند» (هانیتنگون، ۱۳۹۲:۵۹۷).

در زمینه سیاسی ایران پسانقلاب، جناح یعنی گروه‌بندی‌ها یا صورت‌بندی‌هایی سیاسی که در قالب سازمان‌هایی در یک نظام «شبه‌حزبی»^{۳۵} عمل می‌کنند. این سازمان‌ها ناهمگون‌اند و در بهترین حالت شامل ائتلاف‌هایی آزاد، شکننده و گذرا از گروه‌ها و افراد با دیدگاه‌های مشابه هستند که یک ساختار سازمانی منسجم و خط‌مشی رسمی ندارند (Saeid, 2010:12).

۴.۲. جناح‌گرایی

در ادبیات حزبی،^{۳۶} «جناح‌گرایی» به ویژگی ثابت یک حزب سیاسی اشاره دارد. بر اساس این ویژگی، چنین فرض می‌شود که در درون یک حزب سیاسی همواره بین گروه‌ها یا جناح‌های مختلف (درون‌حزبی) برای کسب قدرت نزاعی در جریان است. از این رو، پژوهشگران حزبی برای سنجش میزان جناح‌گرایی در یک حزب، از شاخص «رقابت درون‌حزبی» استفاده می‌کنند. بر اساس این شاخص، هر چه میزان رقابت میان جناح‌های گوناگون در درون یک حزب بیشتر باشد، شدت جناح‌گرایی در درون آن حزب نیز بیشتر خواهد بود (به‌طور نمونه، نک: Singh, 2006).

جناح‌گرایی عموماً پدیده‌ای مربوط به آسیب‌شناسی‌های سیاست در نظر گرفته می‌شود.

33. Context

34. Groupings

35. Pseudo - Party

۳۶. در اینجا، ادبیات حزبی به مطالعات و رویکردهای پژوهشی در زمینه احزاب سیاسی اشاره دارد.



«واژه جناح اغلب نه تنها ذیل اصطلاحات تحلیلی بلکه همچنین به عنوان اصطلاحی تحقیر آمیز^{۳۷} به کار گرفته می شود» (Kollner and Basedau, 2005: 13). از این نظر که جناح‌ها می توانند به تدریج موجب تضعیف انسجام و ناکارایی احزاب سیاسی شوند.

بر اساس این رویکرد آسیب شناسانه از جناح، کلنر و بز دو (۲۰۰۵) نتیجه گیری می کنند که در برخی موارد می توان جناح گرایی را مسئول فساد در درون یک حزب سیاسی یا حتی در درون نظام سیاسی قلمداد نمود. به باور این پژوهشگران حزبی، «جناح گرایی می تواند نظام حزبی را بی ثبات سازد و این بی ثباتی در نهایت به بدبینی فزاینده رأی دهندگان [نسبت به حزب] منجر شود» (Ibid).

در زمینه موضوعی مقاله حاضر، جناح گرایی به ویژگی عمده نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اشاره دارد. در این نظام سیاسی، به عنوان یک نظام غیر حزبی^{۳۸} به جای تشکل های سازمان یافته بادوام و دارای پایگاه اجتماعی که به عنوان احزاب (عمدتاً در دموکراسی های غربی) شناخته می شوند، ما با گروه بندی های سیاسی گذرا، سیال و بی قاعده درون سیستمی (سیستم سیاسی) به نام جناح مواجهیم که عمدتاً به ابتکار عمل نخبگان حکومتی شکل گرفته اند. (درباره تعریف جناح و جناح گرایی در زمینه غرب و ایران بنگرید به: جدول شماره ۱ و ۲).

۵. یافته های پژوهش

اگرچه مفهوم جناح گرایی یک بار معنایی منفی در ذات خود دارد، پژوهشگران حوزه مسائل ایران به تأثیرات مثبت و منفی آن در کنار هم توجه کرده اند. به طور نمونه، گفته می شود جناح گرایی در حوزه سیاست داخلی هم می تواند زمینه ساز بی ثباتی نظام سیاسی شود و هم زمینه ایجاد نهادهای سیاسی پخته و پیشرفته را فراهم آورد. سعید بهر زین جناح بندی را یک حلقه از زنجیر زله ای قلمداد می کند که سه حلقه دارد: حلقه اول، محفل گرایی، حلقه دوم، جناح گرایی، و حلقه سوم، احزاب. بهر زین بین حلقه جناح بندی و مشروعیت ارتباط برقرار می کند و معتقد است اگر جناح بندی «حذفی» باشد، یعنی هدف راهبردی جناح ها حذف یکدیگر از صحنه سیاسی باشد، می تواند مشروعیت نظام را تضعیف کند و اگر «غیر حذفی» باشد، می تواند مشروعیت نظام را تقویت کند (بهر زین، ۱۳۷۷: ۱۰-۱۸). با وجود این، یافته های پژوهش که مبتنی بر مرور بخشی از ادبیات حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، نشان می دهد که جناح گرایی عمدتاً تأثیری منفی بر فرایند تصمیم گیری در سیاست خارجی این حکومت دارد. در اینجا، با استناد به این ادبیات، این دلالت ها را بیان می کنیم.

37. Pejorative

38. Non - Party



از نظر برخی پژوهشگران، چگونگی اتخاذ سیاست‌ها در حوزه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بسیار مبهم است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد که چه کسی در حوزه سیاست خارجی ایران تصمیم‌گیری می‌کند. از این منظر، ویلفرد باچتا، نظام سیاسی ایران را شامل مراکز قدرت بی‌شمار و هم‌پوشانی توصیف می‌کند که سیاست‌سازی در آن را رازآلود کرده است. به باور باچتا، انبوهی از پیوندهای بی‌ربط و مراکز قدرت به شدت رقابتی وجود دارد که هم مراکز قدرت رسمی و هم غیررسمی را شامل می‌شود. جناح‌ها از مراکز قدرت غیررسمی‌اند و رقابت میان آن‌ها حوزه سیاست خارجی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین هر یک از جناح‌ها تلاش می‌کنند از مسائل و موضوعات سیاست خارجی برای تقویت و تثبیت منافع داخلی خود سود ببرند که به اعتقاد باچتا، این امر مانع از شناخت دقیق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عدم شفافیت در آن می‌شود (Buchta, 2000: 11).

همچنین رضائی، در تحلیلش از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آن را نه خطی، نه دیالکتیک بلکه رنگارنگ می‌داند. به باور رضائی، علت این عدم تداوم خطی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ریشه در ماهیت سیال سیاست داخلی این کشور دارد که خود ناشی از سیالیت گروه‌بندی‌های سیاسی در ایران است. وی با شناسایی «آرمان‌گرایان» و «واقع‌گرایان» به عنوان گروه‌ها یا جناح‌های سیاسی مسلط بر صحنه سیاست ایران در دهه شصت شمسی، معتقد است «مسائل سیاسی ایران چنان سیال است که ممکن است آرمان‌گرایان امروز، فردا واقع‌گرا شوند و برعکس. از همین رو است که سیاست خارجی ایران نه خطی است، نه دیالکتیک بلکه رنگارنگ است» (رضائی، ۱۳۸۰: ۶۹).

ابراهیم متقی در رویکردی مشابه با رضائی (۱۳۸۰) معتقد است که سیال بودن فضای سیاست داخلی که وی آن را ناشی از وجود جناح‌های سیاسی گوناگون در صحنه سیاست ایران می‌داند، موجب ناپایداری و عدم ثبات در رفتار سیاست خارجی می‌شود. به اعتقاد متقی «این سیالیت در فضای سیاست داخلی و در نتیجه انعکاس آن در سیاست خارجی، زمینه‌ساز همکاری‌های ناپایدار و تعارضات غیر مؤثر در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی است». متقی در بحثی ذیل عنوان «تبیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به تأثیر جناح‌گرایی با شاخص «نخبگان سیاسی» بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است. وی با دسته‌بندی نخبگان سیاسی حاکم در نظام سیاسی پس‌انقلاب در ایران به آرمان‌گرا و واقع‌گرا / عمل‌گرا معتقد است که اختلاف نظرهای این دو گروه بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد (متقی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

از دیگر پژوهشگران داخلی فعال در حوزه سیاست خارجی ایران که به عامل جناح‌گرایی



توجه کرده است، دهقانی فیروزآبادی است. وی ذیل مبحثی با عنوان «منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» تأثیر جناح‌گرایی با شاخص «جناح‌های سیاسی» را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). نکته قابل توجه در تبیین دهقانی این است که او این عامل را برآمده از محیط داخلی غیرحکومتی یا جامعه با شاخص گروه‌های اجتماعی می‌داند، در حالی که در پژوهش حاضر، جناح‌گرایی به‌عنوان عاملی فرض شده است که در محیط حکومتی با شاخص «ویژگی نظام سیاسی» به وقوع پیوسته است. از دیدگاه دهقانی فیروزآبادی، جناح‌های سیاسی پس‌انقلاب در ایران برآمده از جامعه هستند، در حالی که در پژوهش حاضر نیروهایی هستند در درون ساختار رسمی قدرت در ایران و برآمده از آن، هرچند ممکن است در جامعه هم پایگاه اجتماعی^{۳۹} داشته باشند.

در تحلیل‌های دیگر از این دست می‌توان به نظر احتشامی در حوزه سیاست خارجی اشاره کرد. او عامل «جناح‌گرایی» با شاخص «رقابت نهادی جناح‌ها در سیستم سیاسی» را در کنار عواملی دیگری مانند نقش قوه مقننه، انسجام نهادی قوه مجریه، مطبوعات، افکار عمومی، عامل اقتصادی و عامل نقش، از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اواخر دهه ۱۹۸۰ تا اوایل ۲۰۰۲ نام می‌برد. در ادامه، نویسنده در تبیین تأثیر جناح‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، این عامل را با شاخص رقابت نهادی جناح‌ها به‌عنوان یک ویژگی مهم نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب توصیف می‌کند و سپس با شناسایی سه گروه‌بندی سیاسی «تندروها»، «عمل‌گراها» یا «میان‌روها»، و «اصلاح‌طلبان» به‌عنوان جناح‌های سیاسی عمده و تأثیرگذار در صحنه سیاست ایران به ترتیب در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، نتیجه می‌گیرد که به علت ماهیت شکننده سیاست‌گذاری در ایران، ابتکار عمل سیاست خارجی در بهترین حالت، مصالحه‌هایی بین منافع و دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی رقیب هستند. به باور احتشامی، «این مسئله می‌تواند توضیح دهد که چرا تهران ظاهراً قادر نیست یک سیاست خارجی صریح و ثابت را طراحی و پیگیری کند» (Ehteshami, 2002: 307).

افراسیابی و ملکی عامل جناح‌گرایی را به‌همراه عوامل بیرونی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار می‌دانند. این پژوهشگران معتقدند که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران تحت تأثیر عواملی چون محیط منطقه‌ای متلاطم و ضرورت‌های یک جمهوری جناح‌زده با نظام منحصربه‌فرد انجام می‌شود (Afrasiabi and Maleki, 2003).

در آثار برخی پژوهشگران خارجی حوزه سیاست خارجی ایران نیز عامل جناح‌گرایی به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. سزگین کایا و زینب سارته‌په در مقاله‌ای با عنوان «سیاست



رقابتی ایران: جناح‌ها، سیاست خارجی، توافق هسته‌ای» سیاست خارجی ایران را با تأکید بر عامل جناح‌گرایی تبیین کرده‌اند. به باور این دو، سیاست خارجی ایران تحت تأثیر رقابت‌های جناحی و فضای پیچیده تلاش‌های ایران برای حفظ تعادل میان ایدئولوژی و عمل‌گرایی است. در این اثر، نویسندگان با بررسی توافق برجام، نتیجه‌گیری می‌کنند که این توافق نتیجه طبیعی مسائل داخلی و نیز تحولات بین‌المللی است، هرچند وجود اختلاف‌نظرها در داخل کشور هم نشانگر همین رقابت‌های جناحی است (Kaya and Sartepe, 2015).

پژوهش دیگر، «ایران و شرق میانه: سیاست خارجی و تغییر داخلی» اثر هالیدی است. در این اثر، نویسنده معتقد است سیاست خارجی ایران در سطحی گسترده به سیاست‌های درونی کشور و فضاهای پنهان تر جولان‌دهی‌های جناحی وابسته است که باعث می‌شود مرکز واحدی برای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی وجود نداشته باشد. هرچند به باور نویسنده، عوامل خارجی از جمله سیاست‌های ایالات متحده درباره خاورمیانه نیز در این زمینه تأثیرگذارند (Halliday, 2001). همچنین گراهام فولر، تحلیلگر برجسته سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا^{۴۰} در امور خاورمیانه و سیاست خارجی ایران، از جمله پژوهشگران خارجی است که با رویکردی آسیب‌شناسانه تأثیر عامل جناح‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده است. او در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۹۳ انجام شده، با دسته‌بندی جناح‌های سیاسی حاکم بر سیاست ایران در اوایل دهه ۱۳۷۵ به دو گروه «عمل‌گرایان»^{۴۱} و «باورمندان»^{۴۲} معتقد است «سیاست خارجی ایران مدت‌های مدیدی است که به علت وجود جناح‌گرایی شدید در درون حکومت دچار آشفتگی و بی‌نظمی»^{۴۳} کامل است، از یک سو شما عمل‌گرایانی مانند رفسنجانی را دارید و از سویی دیگر «باورمندان» را» (Fuller, 1993: 130).

علاوه بر پژوهشگران دانشگاهی، در گزارش‌هایی که برخی اندیشکده‌های عمدتاً غربی با هدف تجویز خط‌مشی‌هایی در خصوص حکومت ایران خطاب به سیاست‌گذاران تدوین کرده‌اند، بر توجه به عامل جناح‌گرایی در این حکومت تأکید شده است. «ایران بعد از طرح توافق هسته‌ای» عنوان گزارشی است که یک نهاد اروپایی موسوم به «گروه بین‌المللی بحران»^{۴۴} در کشور بلژیک در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده است. هدف از تدوین گزارش که نویسنده مشخصی ندارد، «ارزیابی دلالت‌های»^{۴۵} داخلی (داخل ایران) توافق هسته‌ای»^{۴۶} عنوان

40. CIA

41. Pragmatists

42. Ideologues

43. Disarray

44. International Crisis Group

45. Implication

46. The Nuclear Accord



شده است. نویسنده کوشیده است با ارزیابی این دلالت‌ها، در مورد کیفیت تعامل قدرت‌های جهانی و تهران بر سر مسئله هسته‌ای ایران، پیشنهادهایی ارائه کند. او بحث خود را در این باره با این فرض آغاز می‌کند که سیاست خارجی ایران نیز مانند سایر کشورها ادامه سیاست داخلی آن است و از این نقطه وارد تبیین تأثیر عامل جناح‌گرایی بر سیاست خارجی ایران می‌شود. در ادامه، با شناسایی و دسته‌بندی جناح‌های سیاسی فعال در صحنه سیاست ایران ذیل دو گروه‌بندی کلی «دین‌محور»^{۴۷} و «جمهوری‌خواه»^{۴۸} و زیرگروه دین‌محوران تندرو^{۴۹} و عمل‌گرا^{۵۰}، جمهوری‌خواه‌های تندرو^{۵۱} و عمل‌گرا^{۵۲}، به ترتیب در ذیل هر گروه‌بندی کلی، به بررسی دیدگاه‌های این جناح‌ها در خصوص سیاست داخلی و خارجی پرداخته است. سپس با تمرکز بر مورد توافق هسته‌ای ایران - گروه ۵+۱ نتیجه‌گیری کرده است که این توافق مانند هر سیاست^{۵۳} اتخاذشده دیگری از سوی دولت ایران حاصل فشار از پایین و اجماع جناح‌های سیاسی در بالا است. بر اساس این یافته، نویسنده به طرف غربی مذاکرات توصیه کرده است که برای تسریع روند گفت‌وگوها با ایران بر سر مسئله هسته‌ای توجه خود را صرفاً به طیف سیاسی جمهوری‌خواهان عمل‌گرا معطوف نکند که جناح سیاسی مسلط در دولت حسن روحانی هستند، بلکه در نظر داشته باشد که در ایران هیچ تصمیم سیاسی اتخاذ نمی‌شود مگر با حمایت رهبری ایران و به‌طور کلی‌تر، دین‌محوران عمل‌گرا. در این گزارش از «جامعه روحانیت مبارز»، «حزب مؤتلفه اسلامی» و «رهروان ولایت» به‌عنوان تشکل‌های وابسته به این جناح نام برده شده است.

گزارش قابل‌بررسی دیگر گزارشی است که با عنوان «بنیادگرایان، عمل‌گرایان و راست‌گرایان سیاست ایران و تقابل هسته‌ای» توسط گریث اسمیت نوشته شده است. نویسنده، این گزارش را بخشی از مجموعه گزارش‌هایی توصیف کرده است که نهادی به نام «بنیاد قرن»^{۵۴}، واقع در ایالات متحده آمریکا (نیویورک) سفارش داده است و با هدف طرح مناظره سیاسی در خصوص موضوعات مرتبط به ایران تدوین یافته است. در این گزارش، نویسنده با تمرکز بر بررسی موضوع هسته‌ای ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بیان می‌کند که در کنار تحولات و عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای تأثیرگذار بر مسئله هسته‌ای ایران، باید به عوامل داخلی، به‌ویژه عامل سیاست داخلی ایران توجه کافی مبذول شود که از نظر نویسنده تحلیلگران از آن غفلت کرده‌اند. او برای تبیین فرضیه خود مبنی بر تأثیرگذاری عامل سیاست

47. Theocratic

48. Republican

49. Radical Theocrats

50. Pragmatic Theocrats

51. Radical Republican

52. Pragmatic Republican

53. Policy

54. The Century Foundation



داخلی ایران بر موضوع هسته‌ای، به شناسایی جناح‌های موجود در صحنه سیاست ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ و دیدگاه‌ها و اختلاف نظرهای آن‌ها در خصوص موضوع مورد بررسی پرداخته است. گزارش با شناسایی سه جناح‌بندی سیاسی کلی شامل: «تندروها»،^{۵۵} «بنیادگرایان یا اصول‌گرایان»^{۵۶} و «اصلاح‌طلبان»^{۵۷} و نیز زیرگروه‌های «بنیادگرایان»، «سنت‌گرایان»^{۵۸}، «اصلاح‌طلبان»، «عمل‌گرایان اصلاح‌طلب»، «عمل‌گرایان محافظه‌کار»^{۵۹} و «رهبر و رهروان وی»^{۶۰} و تأکید بر سیالیت این گروه‌ها در صحنه سیاست داخلی ایران بیان کرده است که چگونه زیرگروه‌های عمل‌گرایان محافظه‌کار و عمل‌گرایان اصلاح‌طلب با وجود اختلاف نظرهایشان در حوزه سیاست داخلی، دیدگاه‌های خود را در خصوص مسئله هسته‌ای به یکدیگر نزدیک کرده‌اند. آنگاه «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیادها، افراد دارای امتیاز صادرات و واردات، وزارتخانه‌ها، شرکت‌های با مالکیت دولتی و...»، را دیگر گروه‌های بهره‌مند از منافع ویژه^{۶۱} معرفی می‌کند که بر سیاست‌گذاری خارجی ایران در خصوص مسئله هسته‌ای تأثیرگذار هستند (Smyth, 2009).

«سیاست خارجی ایران» گزارش دیگری است که کنت کاتزمن (Katzman, 2016)، کارشناس امور خاورمیانه، نوشته است. در این گزارش که به سفارش نهاد «سرویس پژوهش کنگره»^{۶۲} (واقع در ایالات متحده آمریکا) و باهدف تحلیل و ارائه گزارش به اعضای کمیته کنگره تدوین شده، اقدامات ایران در رابطه با منافع ایالات متحده آمریکا مسئله اصلی گزارش عنوان شده است. از این رو، نویسنده در تحلیل خود، با بیان این فرض که سیاست خارجی ایران محصول عوامل متعدد و گاهی اوقات، عوامل در حال رقابت است، از «ایدئولوژی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ادراک رهبران ایران از تمهیدات ایالات متحده و متحدانش نسبت به کشور ایران، منافع ملی، منافع ملی دیرینه و منافع جناحی»^{۶۳} به عنوان محرک‌ها^{۶۴} یا عوامل مؤثر بر اقدامات سیاست خارجی ایران نام می‌برد. وی عامل چهارم، یعنی منافع جناحی را با نام بردن از سه جناح «تندروها»، «عمل‌گرایان» و «اصلاح‌طلبان» تبیین می‌کند و در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند که تندروها و عمل‌گرایان بیش از اصلاح‌طلبان در رابطه با مسئله هسته‌ای تأثیرگذار بوده‌اند و جناح اصلاح‌طلب چه در عرصه سیاست داخلی و چه خارجی نتوانسته تغییر چشمگیری به وجود آورد.

55. Hardliners

56. Fundamentalist or Principle-ists

57. Reformists

58. Traditionalist

59. Conservative Pragmatists

60. The Leader and His Loyalists

61. Vested interest

62. Congressional Research Service (CRS)

63. Factional Interests

64. Motivators



۶. نتیجه

از نگاه دانشوران حوزه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت‌ها متأثر از عوامل گوناگون داخلی و خارجی است. متغیر ماهیت نظام سیاسی از جمله عوامل برآمده از محیط داخلی است که مورد توجه این دانشوران قرار گرفته است. فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر حکومت دیگری تحت تأثیر ویژگی‌های نظام سیاسی قرار دارد. جناح‌گرایی به‌عنوان مشخصه نظام سیاسی پساانقلاب حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری در ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

پژوهش حاضر با هدف برجسته کردن عامل جناح‌گرایی در زمینه سیاست خارجی ایران، کوشیده است بارویکردی توصیفی-تحلیلی و مروربخشی از ادبیات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این سؤال اصلی پاسخ دهد که از نگاه این ادبیات، دلالت‌های تأثیرگذاری عامل جناح‌گرایی بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ براساس یافته‌های پژوهش، عمده آثار موردبررسی، ضمن شناسایی جناح‌گرایی به‌عنوان عامل داخلی تعیین‌کننده، بر تأثیرات منفی این عامل بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده‌اند. ناتوانی در طراحی و پیگیری یک سیاست خارجی شفاف، صریح و پایدار، بی‌نظمی و آشفتگی در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ناپایداری و بی‌ثباتی و همچنین همکاری‌های ناپایدار و تعارضات غیرمؤثر در رفتار سیاست خارجی از جمله دلالت‌های تأثیرگذاری منفی جناح‌گرایی بر فرایند تصمیم‌گیری و تصمیمات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند که پژوهشگران به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

پژوهش حاضر با طرح مسئله جناح‌گرایی و تأثیر آن در حوزه سیاست خارجی، امیدوار است توجه پژوهشگران را به این مسئله جلب کند که هر نوع فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی در جمهوری اسلامی ایران ممکن است در معرض آسیب‌های ناشی از متغیر جناح‌گرایی باشد. طرح این موضوع می‌تواند در دستور کار پژوهش‌های نظری جدی در زمینه سیاست‌گذاری در حوزه‌های داخلی و خارجی در ایران قرار گیرد.

کتابنامه

- اسنادی، ریچارد و دیگران. ۱۳۸۹. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی. ترجمه محمدجعفر جوادی و مجید فرهام. تهران: سمت.
- بشیری، حسین. ۱۳۷۴. جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نشر نی.
- برزین، سعید. ۱۳۷۷. جناح‌بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۳. تهران: نشر مرکز.



خوشوقت، محمدحسین. ۱۳۸۵. تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی. چاپ سوم. تهران: وزارت امور خارجه.

دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تهران: سمت.
دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۹۰. «واقع‌گرایی نو کلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و پنجم. شماره ۲۰. صص ۲۷۵-۲۹۴.
رمضانی، روح‌الله. ۱۳۸۰. چارچوب تحلیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ترجمه علی‌رضا طیب. تهران: نشر نی

روحانی، حسن. ۱۳۹۱. امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای. چاپ سوم. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. ظریف‌نیا، حمیدرضا. ۱۳۷۸. کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸. تهران: انتشارات آزادی اندیشه.

متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی. ۱۳۹۰. الگو و روند در سیاست خارجی ایران. قم: دانشگاه مفید.
مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۵. تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.
هانتینگتون، ساموئل پی. ۱۳۹۲. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.

Afrasiabi, K. & Maleki, A. 2003. "Iran's Foreign Policy After 11 September". *The Brown Journal of World Affairs*. Vol. 9. No. 2. pp. 255-265.

Allison, Graham. 1969. "Conceptual models and the Cuban missile crisis." *the American political Science Review*. Vol. 63. No. 3. pp. 689-718.

Asayesh, H. et. Al. 2010. "Obstacles of Political Party Development in Iran". Available at: <http://www.sciencepub. Net/report>.

Behrooz, M. 1991. "Factionalism in Iran under Khomeini". *Middle Eastern Studies*. Vol. 27. No. 4. pp. 597-614.

Bjorvatn, K. & Selvik, K. 2008. "Destructive Competition: Factionalism and Rent Seeking in Iran". *World Development*. vol. 36. No. 11. pp. 2314-2324.

Boucek, F. 2009. "Rethinking Factionalism: Typologies. Intra- Party Dynamics and Three Faces of Factionalism". *Party Politics*. Vol. 15. No. 4. PP. 4-5

Buchta, W. 2002. "who Rules Iran? The Structure of Power in the Islamic Republic". Washington Institute for Near East Policy and the Konrad Adenauer Stiftung.

Doeser, F. 2015. "International constraints. Domestic politics and foreign policy change in small states: the Fall of the Danish' footnote policy". Available at: <http://eisa-net.org/be-brugg/eisa/files/events/Stockholm/Doeser.pdf>

Ehteshami, A. 2002. "The Foreign Policies of Iran". *Foreign Policies Of Middle East States*. Boulder. co: Lynne Rienn er. pp. 283-309.

Schneider, F. 2009. "Factionalism. oil and economic growth & Farzanegan, M .in Iran: where is the curse?". VEREINS FÜR SOCIALPOLITIK Magdeburg

Fearon, J.D. 1998. "Domestic politics. Foreign policy and theories of international relations". *Annual Reviews*. Vol. 1. pp. 289-213.

Fuller. G. 1993. "Interview with Graham Fuller". *Middle East Policy*. Vol.2. No.3. pp.121-136.

Halliday, F. 2001. "Iran and the Middle East: Foreign Policy and Domestic Change". *Middle East Report*. No. 220. pp. 42-47.

Hoadley, F. J. 1986. "The Concept of Party. in: Origins of American Political parties: 1789-1803". Available at: <http://www.jstor. Org>



- Holsti, O. R. 1989. "Models of International Relation and Foreign policy". *Diplomatic History*. Vol.13. No. 1. pp. 15-43. Available at: <http://www.duel.de/working paper>.
- International Crisis Group. 2015. "Iran After the Nuclear Deal". Available at: <http://www.crisis griop.org>.
- Juneau, T. 2009. "Power, perception, Identity and Factional politics". Paper presented at the annual meeting of Canadian political Science Association Ottawa. Available at: <http://www.cPsa-acSP.ca/papers-2009/Juneau.PDF>
- Katzman, K. 2016. "Iran Foreign Policy". Congressional Research Service. Available at: <http://www.crs.gov/r44017/>.
- Kaya, S. and Sartepe, Z. 2015. "Contentious Politics in Iran: Factions, Foreign Policy and the Nuclear Deal". *Alternatives Turkish Journal*. Vol. 14. No. 3. PP. 1-12.
- Kollner, P. & Basedau, M. 2005. Factionalism in political parties: An Analytical Frame work for Comparative studies. Available at: <http://www.duei.de/working paper>.
- Mintz, A. & DeRouen J. K. 2010. "Undersdanding Foreing Policy Decision Making". Cambridge University Press. Available at: <http://www.rand.org>
- Mohammadighalehtaki, A. 2014. "The Path Dependent Nature of Factionalism in Post-Khomeini Iran". Discussion Paper. Durham University. Durham
- Moslem, M. 2002. "Factional Politics in Post-Khomeini Iran". Syracuse University Press.
- Persico, N. et. al. 2011. "Factions and Political Competition. Available at: <Http://www.nicolaperscco.com>
- Rakel, E. P. 2009. "Power, Islam, and Political Elite in Iran. A Study on the Iranian Political Elite from Khomeini to Ahmadinejad". BRILL. International Comparative Social Studies.
- Rosenau, J. N. 1966. "Pre-theories and Theories of Foreign Policy" In: *Approaches in Comparative and International Politics*. edited by R. B. Farrell. pp. 115-169. Evanston: North western university press.
- Saeid, P. 2010. "The Role of parliaments in the Resilience of Non-Democratic Regimes: A Case Study of the Iranian Parliament (Majles)". *Politics; International studies*. Available at: <http://hydra.hull.ac.uk/resources/hull:3437>
- Saeidi, A. A. 2004. "The Accountability of Para-Governmental Organizations (Bonyads): The Case of Iranian Foundations". *Iranian studies*. Vol. 37. No. 3. pp. 479-498.
- Sagan, D. S. 1996. "why Do States Build Nuclear Weapons? Three Models in Search of a Bomb ". *International security*. Vol. 21. No. 3. pp. 54-86.
- Singh, B. 2006. "Politics of Factionalism in Punjab: A Critical Study of Shiromani Akalidal". *The Indian Journal of Political Science*. Vol. LVII. No. 4. PP.839-848.
- Smyth, G. 2005. "Fundamentalists Pragmatists, and The Rights of the Nation: Iranian Politics and Nuclear Confrontati ". Century Foundation Report. Available at: <http://www.tcf.org>.
- Tayfur, F. M. 1994. "Main Approaches to The Study of Foreign Policy: A Review". *METU studies in Development*. Vol. 21. No. 1. pp. 113-141.